

### ۱. شرح اشارات امام فخر رازی

نسخه بسیار نفیسی از «شرح اشارات امام فخر» مورّخه به سال ششصد و هفتاد و نه است که در کتابخانه مدرسه نظامیه بغداد تحریر شده است و بسیار تمیز و منقّح می باشد. این نسخه در ۲۰۹ ورق بر روی کاغذ کاهی رنگِ نسبتاً ضخیم نوشته شده است و مشتمل بر هر دو جزء منطق و فلسفه است. جزء اول که بخش منطق است در ۶۸ ورق نخستین، و ۱۴۱ ورق دیگر بخش فلسفه است که جزء دوم نسخه است.

جزء اول در شوال ششصد و هفتاد و نه هلالی (= قمری) و جزء دوم در آخر ذی الحجّه سال ششصد و هفتاد و نه نوشته شده است (یعنی هفتاد و سه سال پس از وفات امام فخر). کاتب ظاهراً خود اهل فضل و ادب بوده و من بنده در تصفّح اجمالی که با حضور مالک آن نسخه از آن کردم آن را بسیار تمیز و مرتّب و بدون غلط املائی یا اعرابی چشمگیری یافتم. ولی گاه ترک اولی هایی در کتابت بعض کلمات شده است که قابل اغماض است و روی هم رفته نسخه بسیار نفیس و مرغوبی است و در مالکیت و تصرف یکی از مشاهیر ایران در قرن گذشته بوده است.

اندازه اوراق آن ۱۶×۲۴ سم و اندازه قسمت مکتوب در هر صفحه ۱۲×۱۸ سم است و در هر صفحه سی سطر با خط نسخ تحریری خوب خوانا نوشته شده است. سرفصل ها و در ابتدای شرح هر جمله یک یا دو کلمه به رنگ قرمز است. جلد این نسخه چرمی سفت معمولی بی هیچ گونه زینت و آرایشی است.

بر پشت ورق اول این نسخه نفیس تملک برخی از مالکان آن که در طول قرون آن را در تملک و تصرف داشته اند نوشته شده است که بعضی از آنها کلاً یا جزء ناخواناست

### معرفی اجمالی دو نسخه خطی

(شرح اشارات امام فخر رازی - شرح العدة فی اللغة)

احمد مهدوی دامغانی\*

(ماساچوست)

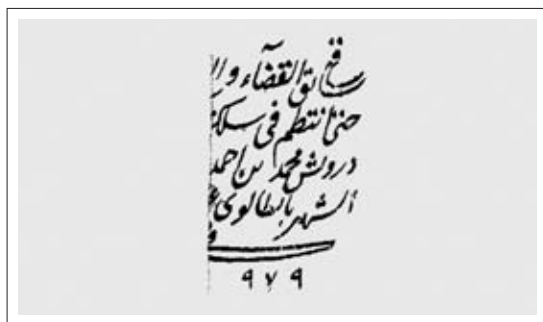
چکیده: در این گفتار دو نسخه خطی ارزشمند که نگارنده در مجموعه ای شخصی در آمریکا دیده است و از نظر کتابشناسان حائز اهمیت هستند معرفی می شود. یکی شرح اشارات امام فخر رازی مورّخ ۶۷۹ق در کتابخانه مدرسه نظامیه بغداد است، در ۲۰۹ ورق، مشتمل بر هر دو جزء منطق و فلسفه، و به صورت قال اقول. این نسخه بسیار تمیز و منقّح است، بدون غلط املائی یا اعرابی چشمگیر. از جمله مالکان پیشین این نسخه یکی درویش محمد بن احمد طالوی مفتی دمشق، از مشاهیر شعرا و علمای اواخر قرن دهم و اوایل یازدهم ق بوده است.

دوم، نسخه ای است به خط نسخ بسیار خوش، با عنوان شرح العدة فی اللغة، از شارحی نامعلوم که کتابش را به پادشاه بویه ای کالیجار (د. ۴۴۰ق) اهدا کرده است، و در منابع موجود کتابی به نام «العدة» یا شرحی از آن دیده نشده است.

کلید واژه: شرح اشارات؛ فخر رازی، محمد بن عمر (۵۴۴ - ۶۰۶ق)؛ شرح العدة فی اللغة؛ ابی کالیجار (د. ۴۴۰ق)؛ طالوی، درویش محمد بن احمد.

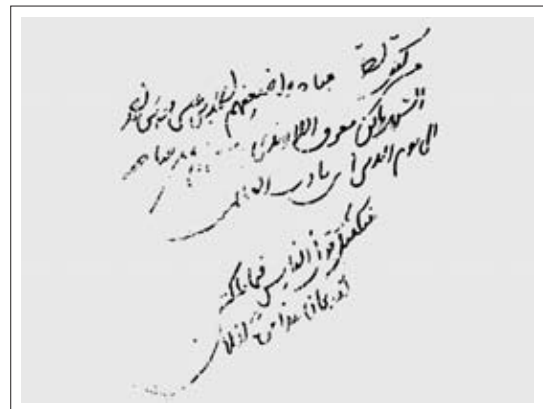
\* دکترای زبان و ادب فارسی؛ استاد دانشگاه هاروارد.

و بعضی دیگر نیز به سبب آنکه بر روی قسمت‌هایی از نوشته کاغذهایی کوچک چسبانده شده (گویا در آن قسمت‌ها کاغذ پارگی داشته است) نامعلوم است. از جمله مالکان پیشین این نسخه که دقیقاً پس از سیصد سال از تحریر نسخه آن را مالک شده یا تملک خود را در آن تاریخ برگوشه چپ بالای ورق اول (یعنی بر پشت ورق اول) ثبت کرده است، فقیه و شاعر بزرگ قرن دهم «درویش محمد بن احمد طالوی» (۹۵۰-۱۰۱۴ق) مفتی دمشق است که از آنجا که در طول پشت لبه ورق اول کاغذی به عرض یک سانتیمتر چسبانده شده است تمام آن نوشته مقروء نیست و آنچه خوانده می‌شود چنین است: «ساقه سائق (بی نقطه) (سائق؟ سابق) القضاء والاقدر؟» // حتی انتظم فی سلک ک (تب؟) // درویش محمد ابن احمد (؟...) // الشهير بالطالوي غُفِي عنه؟ // فی سنة ۹۷۹».



۱۲

تملك دیگری که بیشتر آن خوانده می‌شود در وسط همان صفحه نوشته شده است بدین صورت: «من كتب اح(قر؟) العباد واضعهم احمد بن عيسى (... بن احمد الشهير بابن معرف اللاوندي (... صاحبه الى يوم الدين (... يا رب العالمين. فيكفيك قول الناس فيما ملكته لقد كان هذا مرة لفلان».



۲۲

درویش محمد طالوی از مشاهیر شعرا و علمای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم ق است و شرح حال او در بسیاری از کتب تراجم و رجال از جمله نسمة السحر صنعانی (ج ۱، ص ۴۸۸ به بعد) و ریحانة الألباء خفاجی (ص ۲۴ به بعد) و خلاصة الأثر محبی (۲: ۱۴۹-۱۵۰) و در بسیاری دیگر از مراجع و کتب تراجم رجال قرن دهم و یازدهم به تفصیل آمده است. این شرح اشارات به صورت «قال اقول» است و آغاز آن چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. اما بعد حمد من يستحق الحمد لذاته وهويته، ويستوجب الشكر لكمال إلهيته وتفاصيله الأوهام عن الإحاطة بكبريائه وعظمته وتتحيز الأوهام في لطائف آلائه ورأفته، والصلوة على محمد سيد صفوته وعلى آله وأصحابه وعترته. فان العقول متطابقة والأبواب متوافقة على أن العلم أفضل السعادات وأكمل الكمالات والدرجات وإن أصحابه أفضل الناس شعاراً وأحسنهم دناراً وأطيبهم غوداً ونجاراً وأعلامهم منصباً وفخاراً...» و پایان جزء اول (منطق) این چنین است:

«... ثم ذكر هو ان كل من لم يغتر بالالفاظ وحافظ على الشرايط المعترية في صورة القياس ومادته وعرض ذلك على نفسه مرات كثيرة، ثم غلط، فهو جدير بان يهجر الحكمة وتعلمها وكل ميسر لما خلق له. آخر المنطق والحمد لله رب العالمين والصلوة على المقدسين المقرين الى حضرته والسلام على الذين اصطفاهم من النفوس البشرية وأرسلهم وبعثهم لهداية الطالبين المستعدين السباق (ظ) الى جانب الحق خصوصاً على خير الأصفياء وخاتم الأنبياء محمد النبي وآله الطاهرين وعلى صحبه الكرام وعلى التابعين لهم بالخيرات اجمعين. وقع الفراغ عن تعليقها في شوال سنة تسع وسبعين وستمئة الهلالية بخزانة الكتب المدرسة النظامية ببغداد».

و ابتدای جزء دوم بعد از بسمله و به نستعین: «النمط الاول في تجوهر الأجسام: التفسير النهج الطريق الواضح، والنمط ضرب من البسط، وإنما خص ابواب المنطق بالنهج وابواب الطبيعي والالهي بالنمط لأن المنطق تعليم طرق الحد والبرهان...» و پایان کتاب:

«... فهي واجبة في هذا الشرح لكثرة ما فيه من الحقائق الدقيقة والمباحث العميقة نسأل الله تعالى أن جعل (كذا) ما كتبنا حجة لنا لا علينا وأن ينفعنا وجميع طالبی الحق به، أنه خير معين. تم الكتاب ... في آخر ذي الحجة حجة تسع وسبعين وستمئة الهلالية».

ومن اراد الاطباک منه المواضع فليرجع الى کتاب الشفا فطهره اور وهذا الظلم منها  
 على حسب العرف والعادة والافعال حتى تادرك في السفا وما فرج من عند انواع الغلط الواقع  
 في المعربات بسبب اللفظ شرح فيما يكون بسبب المعنى فيها ما يكون بسبب ايهام العكس  
 مثلها اذا قلنا المعربات الصادق معها الصادقة فظن له عكسه حتى لو كان على وجه الصلا  
 فهو صادق ومنها ما يكون بسبب احدا ما العوض مكانها بالذات مثلا يعتقد ان السعديا  
 سرده بالذات وانما هي العوض الازالها المسخن الذات فتعرض البرودة عند قول المسخن  
 ومنها ما يكون بسبب احدا من الشيء مكان الشيء او يحوز ان يكون حكم اللاهق مما لفظ الحكم المحفوظ  
 في الخصوص والعموم فاذا حكمنا على الاسخراة الحب ان يكون حيوانا لا يحتمل على المحفوظ وهو الاخذ  
 بذلك ومنها ان احدا ما العوض مكرر ما الفعل مثل ان يحكم بوجود النقطه في الدائرة لا يمكن  
 حصولها فيها ومنها ما يكون بافعال يوابع الفعل فاذا اغلدا هما تها وربطها واسوارها  
 عرضها طكثر ثم لما فرج من هذه الاصناف اعادها على سبيل التعدد ثم قال  
 بعد ذلك فان شئت فادخل الاشتباه في الاعراب والنسب والاشتباه السكك  
 والاعمام امول مال الاول ان هناك علام حسن فهما من الكلمة في ان يحتمل عند  
 النعت والاضافه واما الاشتباه التشكيك فيقال كلما علمه للحاكم هو كما علمه  
 والحكم يعرف المحر وقد عرفت ذلك في الهمج السادس ثم ذكر صور انظر في بعض  
 ما لا يلفظ وحافظ على الشرايط المعبره في صورة القياس ومادته وعرض ذلك  
 على نفه مرات كثر ثم غلط فهو حد برمان بهي احكامه وتعليها وكل ميسر لا يظن  
 له لغز المنطق ولهم قد ريب العالمين والصاروه على المقدمين المقرين الى حضرة  
 والسلم على الله الصطفى من الرغور البشر بقولهم  
 وبعثهم الهدية الطالبر ليكتفوا بالسياق  
 الى جناب المحقق خصوصا على خير الاصفا وخاتم  
 الانبياء محمد النبي واله الطاهرين وعلى وجه اللكم  
 وعلى اللعنين لهم ما يخبرات لجمع  
 ومع الذراع من بعده الى شوال سنة تسع  
 وسنة الهلا في غزاة كماله  
 النظامية ندمه دار

انجامة «شرح اشارات» امام فخر رازی، ۶۷۹ق، نوشته شده در کتابخانه مدرسة نظاميه (مجموعه شخصی - آمریکا).

## ۲. شرح الغدة في اللغة

نسخه بسيار خوش خط به خط نسخ به نام فوق که این بنده  
 با مراجعه به بسیاری از مراجع از جمله «البلغه» و مقدمه  
 قاموس (هر دو از فیروز آبادی) و مقدمه نصر هورینی (ره)  
 بر قاموس و مقدمه زبیدی (ره) در تاج العروس و کشف الظنون  
 و ایضاح ذیل آن نه به کتابی در لغت به نام «الغدة» و نه به شرحی  
 از آن ظفر نیافتم. ولی شارح که برای این حقیر نامعلوم است  
 هم در مقدمه ضمن تجلیل از «الغدة» و هم در آغاز جزء  
 دوم، کتاب خود را به نام «شرح کتاب الغدة» نام می برد.  
 این نسخه مشتمل بر ۲۲۱ ورق به اندازه ۱۴/۷۰ × ۲۱ سم.  
 و قسمت مکتوب هر صفحه گاه ۹ × ۱۵ و گاه ۹ × ۱۴/۵ است  
 و در هر صفحه مطرداً ۲۲ سطر نوشته شده است. ظاهراً در  
 اصل، کتاب «الغدة» با مثلاً: «وتقول یثرب اسم للمدينة

مشتق من الثرب وهو الفساد ويقال: ثرَّب أو خلط» مؤلف  
 و مرتب بوده و سپس شارح توضیحات اضافی می دهد و می گوید:  
 «طابة من أسمائها أيضاً سُميت بذلك لطهارتها وكانت المدينة  
 تسمى يثرب، فأمر النبي - صلى الله عليه وسلم - أن تسمى  
 طيبة والمدينة اسم مشتق من مدن بالمكان اذا اقام به وقال  
 قوم مدينة من دنت اذا فلكت والامة يقال لها مدينة...».  
 نسخه مشتمل بر دو جزء است: جزء اول ۱۱۲ ورق  
 و جزء دوم ۱۰۹ ورق است. متن یعنی مثلاً همان جمله:  
 «وتقول يثرب» با قلم قرمز نوشته شده است. نمی دانم چرا  
 کاتب در صفحه اول جای دوازده عبارت را سفید گذاشته  
 است؟ آیا می خواسته آن را با قلم مثلاً شنجرفی یا طلائی  
 بنویسد یا عبارت را به درستی نمی توانسته است بخواند؟  
 (که این شق بعيد بنظر می آید.) یا در اصل مخطوطه ای که



این نسخه از روی آن نوشته شده جای آن عبارات خالی مانده بوده است. شارح کتابش را به پادشاه بویه ای کالیجار (د. ۴۴۰ق) اهدا کرده است ولی در نسخه جز «ابی کالیجا» چیزی نیست زیرا در این صفحه که دومین صفحه است نیز جای کلمات و عباراتی سفید مانده است، و این سفیدماندگی در بعضی از اوراق دیگر نسخه نیز دیده می شود. کاتب با همه خط خوشی که داشته گاه مرتکب اغلاطی (نه چندان زیاد) شده است. آغاز نسخه چنین است:

«... الحمد لله ذي الاحسان الذي لا يعد، والسلطان الذي لا يحد، والحوال الذي يقهر، والطول الذي يظهر والنعم الذي (كذا) لا تمسك والقدم الذي لا يدرك والآيات التي تبهر والصفات التي يعجز عن كنهها البشر...»  
و پایان آن:

«تقول انقضى الكتاب: انقضى من الانقضاء المضي، يقال: انقضى البرد وانقضت السنون ونجز الشيء ينجز»

نجزاً اذا فني قال: فملك ابي قابوس اضحى وقد نجز وانصرم الشيء اى انقطع، وانتهى بلغ نهايته اى غايته وبلغ وتم ووصل الى آخره. هذا آخر الكتاب. تم كتاب شرح الغدة بعون الله ذي الطول كثير المنة ووقع الفراغ من تحريره يوم الخميس الأحد والعشرون من شهر ربيع الأول من شهر سنة ۱۲۳۶».

مهر مالک: محمدحسین (که در پشت ورق اول ضمن ثبت تملک نسخه خود را: محمدحسین المتخلص به «صفائی» سنة ۱۲۸۳ معرفی می کند). در پشت ورق اول و ورق آخر مالکان متعدد نسخه، تملک خود را و یا اشعار و عباراتی را نگاشته اند. جلد نسخه مقوای کلفت با چرم و گل و بوته مختصر زرنشان است. در هر رویه سه گل و بوته می باشد که دو تای در بالا و پائین کوچکتر و در وسط بزرگتر است. کاغذ نسخه ترمه ای صیقلی [آهار مهره دار] است.

*Nameh-ye Baharestan: vols. 8-9, 2007-2008, ser. nos. 13-14*

### A Brief Description of Two Manuscripts

(Emām Fakhr-e Rāzī's *Commentary on Ebn Sīnā's Eshbārāt*; *Sharḥ al-Oddah fi al-Lughah*)

Dr. Ahmad MAHDAVI DAMGHANI

(Harward University)

Two valuable manuscripts which are kept in a private collection in the United States are briefly described in this article.

The first is a copy of Emām Fakhr-e Rāzī's *Commentary on Ebn Sīnā's Eshbārāt*. This manuscript was copied in 679/1280 at the library of the Nezāmīyyah Madrasah of Baghdād. It is in two parts. Its first part is in 68 folios and concerns the science of logic. Its second part is about philosophy and is in 141 folios. Although this is a carefully written and authoritative codex, it unfortunately does not provide the name of its scribe. However, judging from the quality of the text, its scribe must have been quite a learned man. A number of marginalia and ownership notes are found in this codex. One of these, dated 979/1571, is by the great Damascene poet and jurist, Darwīsh Moḥammad b. Aḥmad al-Ṭālowī (950 - 1041/1543 - 1631).

The second codex is a commentary on a lexicographic text, entitled: *Sharḥ al-Oddah fi al-Lughah*. The author of this work is not known and no information concerning the book or its author could be found in relevant bibliographical sources. However, it is possible that the book was dedicated to the Buyid ruler, Abu Kālījār (d. 440/1048), because this name is mentioned in the text and is followed by a lacuna of several words on p. 2.

The codex is in two parts. The first part is comprised of 112 folios and the second part has 109 folios. It does not give the scribe's name, but the date of its copying is given as 21<sup>st</sup> of Rabi<sup>c</sup> al-Awwal of the year 1236 (December 27, 1820).